



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانеш
معتبرترین مرکز تخصصی حلوفصلی یا حضور مجربترین اساتید
www.chatredanesh.com

پاسخنامه تشریحی آزمون پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت ۱۳۹۴ - دفترچه A-۱۰۰

۹۴/۰۹/۰۶

ردیف	نام درس	از شماره	کل سؤال
۱	حقوق مدنی	۱ الی ۲۰	۲۰
۲	آیین دادرسی مدنی	۲۱ الی ۴۰	۲۰
۳	حقوق تجارت	۴۱ الی ۶۰	۲۰
۴	اصول استنباط حقوق اسلامی	۶۱ الی ۸۰	۲۰
۵	حقوق جزای عمومی و اختصاصی	۸۱ الی ۱۰۰	۲۰
۶	آیین دادرسی کیفری	۱۰۱ الی ۱۲۰	۲۰

حقوق مدنی

۱- گزینه الف صحیح است. برای رسیدن به پاسخ درست این پرسش توجه به مواد ۲۵۵ و ۱۲۴۱ قانون مدنی لازم است. طبق ماده ۲۵۵ قانون مدنی: «هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایت یا وکالتا معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موکل به اجازه معامل است و الا معامله باطل است.» این معامله را می توان معامله فضولی حکمی نامید چون که معامله در واقع فضولی نسیت ولی قانونگذار آنرا تابع احکام معاملات فضولی و غیر نافذ دانسته است. در فرض مورد پرسش موضوع معامله فضولی مال غیر منقول است قییم برای فروش مال غیر منقول مولی علیه باید طبق ماده ۱۲۴۱ قانون مدنی از دادستان اذن بگیرد در نتیجه معامله مورد پرسش غیر نافذ است منتها با تنفیذ قییم نافذ نمی شود قییم قبل از تنفیذ باید اذن دادستان را بگیرد تا معامله نافذ شود چنانچه قییم بدون اخذ اذن از دادستان اقدام به تنفیذ معامله کند قرارداد همچنان غیر نافذ باقی خواهد ماند و با تنفیذ دادستان نفوذ حقوقی پیدا می کند.

۲- گزینه د صحیح است. طبق ماده ۸۳۶ قانون مدنی: «هرگاه کسی به قصد خود کشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقا منتهی به موت نشد نافذ خواهد بود.» با توجه به ظاهر این ماده بطلان وصیت منوط است به این که اقدام به خود کشی قبل از انشاء وصیت صورت گیرد چنانچه شخص ابتدا وصیت و بعد از آن به خود کشی اقدام کند طبق اصل وصیت صحیح و نافذ است. عدم اهلیت شخصی که ابتدا به خود کشی مبادرت و سپس وصیت کرده از نوع عدم اهلیت تمتع است.

۳- گزینه ب صحیح است. بیع دوم قبل از اقاله در زمان مالکیت خریدار بر مبیع منعقد شده، معامله نسبت به ملک خود خریدار و صحیح و نافذ است. انتقال مالکیت مورد معامله در عقد بیع نخست مانع اقاله بیع نخست نیست این حکم به سهولت از ماده ۲۸۶ قانون مدنی قابل استنباط است که بیان می دارد: «تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست...» اگر اقاله بعد از تلف شدن مبیع یا انتقال آن توسط مشتری به غیر انشاء شود مشتری باید به جای مبیع مثل یا قیمت بدهد. اقاله بیع نخست اثری بر بیع دوم ندارد و بیع دوم به قوت و اعتبار خود باقی می ماند مثل یا قیمتی که مشتری بعد از اقاله بیع نخست به جای عین مبیع به فروشنده تسلیم کرده، قطعی است بنابراین اگر بیع دوم بعد از اقاله بیع نخست و تسلیم مثل یا قیمت مبیع به فروشنده به هر سببی منحل گردد و عین مبیع به مالکیت مشتری بیع نخست درآید او ملزم نیست عین را به فروشنده بیع نخست تسلیم کند.

۴- گزینه الف صحیح است. طبق ماده ۲۰۶ قانون مدنی: «اگر کسی در نتیجه اضطراب اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطرابی معتبر خواهد بود.» با وجود این اگر کسی از وضعیت اضطرابی دیگری سوء استفاده کند و از این طریق بدون آن که اکراهی به معنای واقعی کلمه وقوع یابد مضطر را به معامله وادار سازد عمل او در حکم اکراه است و موجب عدم نفوذ معامله می شود. با این تحلیل اگر در شرایطی که کشتی در حال غرق شدن است کسی از شرایط اضطراب مسافران کشتی سوء استفاده کرده و قرارداد کمک و نجات دریایی با شرایط غیر متعارف بر آنها تحمیل کند سوء استفاده از اضطراب کرده و قرارداد غیر نافذ است. منتها چون راجع به وضعیت چنین قراردادی قانون دریایی ایران حکم خاص مقرر کرده باید بر اساس این حکم خاص پاسخ درست پرسش انتخاب گردد، طبق ماده ۱۷۹ این قانون: «هر قرارداد کمک و نجات دریایی که در حین خطر و تحت تاثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین بوسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود.»

۵- گزینه ج صحیح است. طبق رای وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور: «به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد یعنی مبیع و ثمن کما کان در مالکیت بایع و مشتری باقی می ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلا یا جزئا مستحق للغير درآید بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد کند و در صورت جهل به وجود فساد از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن با توجه به اطلاق عنوان غرامت در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانونا ملزم به جبران آن است...»

رای وحدت رویه فوق نقطه عطفی در حقوق مدنی کشور است و نقش مؤثری در حمایت از خریدارانی دارد که در اثر جهل به واقعیت در دام فروشندگان فریبکار و شیاد می افتند و مال غیر می خرند و بعد از مدتهای مدید مالک واقعی پیدا می شود و اقدام به رد بیع فضولی می کند.

با وجود اهمیت رای فوق متاسفانه در تنظیم متن آن دقت کافی اعمال نشده و عملاً در اجرای رایی که برای ایجاد وحدت در رویه صادر شده اختلاف رویه و دیدگاه وجود دارد.

پرسش اصلی آن است که تعهد جبران کاهش ارزش ثمن توسط بایع فضولی بر چه مبنایی استوار است؟ قطعاً تعهد فروشنده فضولی با توجه به مستندات رای، ضمان درک است منتها در ضمان درک فروشنده فضولی دو تعهد در برابر اصیل دارد که عبارتند از: رد ثمن و پرداخت غرامت. تفاوت اصلی بین دو تعهد در این است که رد ثمن باید در هر صورت انجام شود اعم از این که خریدار به فضولی بودن بیع عالم باشد یا جاهل در حالی دادن غرامت وقتی بر عهده فروشنده فضولی قرار می‌گیرد که خریدار به فضولی بودن بیع جاهل باشد.

همانگونه که در متن رای تصریح شده تعهد فروشنده فضولی در خصوص جبران کاهش ارزش ثمن از باب پرداخت غرامت به خریدار جاهل است بنابراین شرط لازم برای مطالبه آن جهل خریدار به مستحق للغير بودن مبیع در زمان انعقاد عقد است.

۶- گزینه ج صحیح است. اگر ضامن حواله دهد که دین مضمون له را شخص ثالث بپردازد با قبول حواله توسط محال علیه ضامن برائت پیدا می‌کند و از جهت ضامن تحقق حواله به منزله پرداخت است. نظر به این که طبق ماده ۷۰۹ قانون مدنی ضامن بعد از ادای دین حق رجوع به مضمون عنه دارد با تحقق حواله ضامن به مضمون عنه حق رجوع پیدا می‌کند. بر این اساس ماده ۷۱۰ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اگر ضامن با رضایت مضمون له حواله کند به کسی که دین را بدهد و آن شخص قبول نماید مثل آن است که دین را ادا کرده است و حق رجوع به مضمون عنه دارد و همچنین است حواله مضمون له به عهده ضامن.»

۷- گزینه د صحیح است. طبق ماده ۹۵۸ قانون مدنی: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر این که برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.» با وجود این که اصل تمتع همه انسان‌ها از حقوق مدنی است برخی انسان‌ها از برخی حقوق مدنی محروم‌اند، محرومیت از برخی حقوق مدنی ممکن است مبتنی بر حکم قانون یا تحت شرایطی خاص ناشی از توافق و قرارداد باشد. طبق ماده ۹۵۹ قانون مدنی: «هیچ کس نمی‌تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.» با توجه به مفهوم این ماده سلب حق تمتع از حقوق مدنی به صورت جزئی نافذ و معتبر است و منجر به محرومیت جزئی شخص از برخی حقوق مدنی می‌شود. محرومیت از برخی حقوق مدنی مستند به حکم مستقیم قانون است به عنوان مثال ماده ۹۶۱ قانون مدنی اتباع خارجی را از برخی حقوق مدنی در ایران محروم کرده است. یا بر اساس قانون مجازات اسلامی مجرمین با عنوان مجازات تبعی براساس درجه مجازات اصلی جرم آنها تا مدتی معلوم از برخی حقوق اجتماعی محروم شده‌اند.

۸- گزینه ب صحیح است. وجه التزام به دو قسم وجه التزام به انجام تعهد و وجه التزام به عدم تأخیر در انجام تعهد قابل تقسیم است. قسم نخست جانشین اصل تعهد می‌شود و زمانی قابل مطالبه است که اصل تعهد قابل اجرا نباشد این نوع وجه التزام در قراردادهایی مقرر می‌شود که رابطه تعهد اصلی ناشی از عقد با زمان اجرای آن از نوع وحدت مطلوب است به نحوی که با انقضای زمان اجرای قرارداد اصل تعهد ساقط می‌شود و قابل مطالبه و اجرا نیست در قراردادهایی که رابطه تعهد ناشی از عقد با زمان اجرا از نوع تعدد مطلوب است و اجرا شدن تعهد خارج از مهلت مقرر نیز برای متعهدله مطلوبیت دارد وجه التزام مقرر معمولاً از نوع وجه التزام به عدم تأخیر در انجام تعهد است. وجه التزام به انجام تعهد هیچ‌گاه با اصل تعهد قابل جمع نیست یعنی متعهد له نمی‌تواند عین تعهد قراردادی و وجه التزام را با هم مطالبه و وصول کند و تا زمانی که عین تعهد قراردادی قابل اجرا است متعهد له نمی‌تواند وجه التزام را مطالبه کند. منتها وجه التزام به عدم تأخیر در اجرای تعهد قراردادی با اصل تعهد قابل جمع است و متعهد می‌تواند عین تعهد و وجه التزام را با هم از متعهد طلب کند، دادگاه در این صورت متعهد را به ایفای هر دو محکوم خواهد کرد. با توجه به گزینه‌های طرح شده، در این پرسش مورد نظر وجه التزام انجام تعهد است.

۹- گزینه د صحیح است. اسباب انحلال قرارداد عبارتند از فسخ، تفاسخ و انفساخ. فسخ ایقاع است و با اراده یکی از طرفین قرارداد واقع و موجب انحلال عقد می‌شود، تفاسخ یا اقاله قرارداد است و طبق ماده ۲۸۳ قانون مدنی با تراضی طرفین قرارداد واقع می‌گردد. انفساخ به صورت قهری رخ می‌دهد و عقد را منحل می‌کند. انفساخ ممکن است به حکم قانون یا در اثر وقوع شرط فاسخ تحقق یابد، به عنوان مثال انفساخ عقود جایز طبق ماده ۹۵۴ قانون مدنی در اثر فوت یا حجر هر یک از طرفین قرارداد انفساخ به حکم قانون است. شرط فاسخ شرطی است که طرفین قرارداد با توافق در عقد درج می‌کنند و به موجب آن انحلال عقد معلق بر امری احتمالی در آینده می‌شود با وقوع این امر قرارداد خود به خود بدون نیاز به دخالت اراده انشایی منحل می‌شود.

با توجه به اطلاق ماده ۲۸۳ قانون مدنی اصولاً قراردادها قابل اقاله هستند و هر قراردادی را طرفین می توانند با تراضی تفاسخ کنند اقاله ناپذیر بودن قرارداد خلاف قاعده است.

عقد باطل وجود اعتباری ندارد در نتیجه قابل انحلال با هیچ کدام از اسباب انحلال عقود نیست، بطلان جزء اسباب انحلال عقد محسوب نمی شود.

۱۰- **گزینه الف صحیح است.** خسارت تنبیهی مبلغی است که دادگاه به منظور تنبیه عامل فعل زیان بار او را به پرداخت آن به سود زیان دیده محکوم می کند این مبلغ زمانی مورد حکم قرار می گیرد که عامل فعل زیان بار با تقصیر سنگین یا عمد و سوء نیت زبانی به دیگری وارد کرده است. در حقوق ایران هدف صدور حکم به پرداخت خسارت جبران ضرر زیان دیده و ترمیم وضعیت او است نه تنبیه عامل فعل زیان بار در نتیجه خسارتی که مورد حکم قرار می گیرد جنبه ترمیمی دارد نه تنبیهی، منتها به صورت موردی و با استفاده از عبارت خسارت تنبیهی در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی ۱۳۹۱ صدور حکم به خسارت تنبیهی مورد پذیرش قرار گرفته است.

ماده ۱ این قانون مقرر می دارد: «به موجب این قانون برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین الملل اشخاص حقیقی و حقوقی می توانند از اقدامات دولت های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند...»

طبق ماده ۴ قانون فوق: «با توجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی، معنوی و تنبیهی زیان دیدگان مشابه احکام صادره از دادگاه های خارجی است.»

۱۱- **گزینه ب صحیح است.** طبق تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه ۱۳۸۷ «بیمه گر موظف است در ایفای تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت نماید مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی به عنوان بیمه حوادث محسوب می گردد.» با توجه به این تبصره جنسیت زیان دیده بر مبلغ خسارتی که بیمه گر به جهت فوت او تادیه می کند مؤثر نیست.

طبق ماده ۱۰ قانون فوق: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد و به طور کلی خسارت های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه (با استثنای موارد مصرح در ماده ۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد.»

بر اساس ماده فوق در مواردی که قرارداد بیمه معتبر وجود دارد و بیمه گر ورشکسته نیست بیمه گر باید خسارت را جبران کند صندوق تأمین خسارت های بدنی مسئولیت ندارد بیمه گر بعد از جبران خسارت حق رجوع به صندوق ندارد.

۱۲- **گزینه ب صحیح است.** پاسخ درست این پرسش مستند است به ماده ۷ قانون پیش فروش ساختمان که به اشتباه در این پرسش قانون پیش فروش آپارتمان نامیده شده است در واقع قانونی با عنوان مذکور در پرسش وجود ندارد. طبق ماده ۷ قانون پیش فروش ساختمان ۱۳۸۹: «در صورتی که مساحت بنا بر اساس صورت مجلس تفکیکی، کم تر یا بیش تر از مقدار مشخص شده در قرارداد باشد ما به التفاوت بر اساس نرخ مندرج در قرارداد مورد محاسبه قرار خواهد گرفت، لکن چنانچه مساحت بنا تا پنج درصد افزون بر زیر بنای مقرر در قرارداد باشد، هیچ کدام از طرفین حق فسخ قرارداد را ندارد و در صورتی که بیش از پنج درصد باشد صرفاً خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. چنانچه مساحت واحد تحویل شده کم تر از نود پنج درصد مقدار توافق شده باشد پیش خریدار حق فسخ قرارداد را دارد یا می تواند خسارت وارده را بر پایه قیمت روز بنا بر اساس نظر کارشناسی از پیش فروشنده مطالبه کند.»

۱۳- **گزینه د صحیح است.** طبق ماده ۶۹ قانون مدنی وقف بر معدوم به تبع موجود صحیح است. وقتی که واقف برای معدوم به تبع موجود نسلی بعد از نسل وقف می کند تا زمانی که از نسل طبقه یکم موقوف علیهم کسی در قید حیات است از نسل بعدی کسی جایگزینی نمی شود و از منافع وقف بهره نمی برد چون قصد واقف با استفاده از لفظ فوق آن است که نسل بعد پس از انقراض کامل نسل قبل به عنوان موقوف علیهم از وقف بهره مند گردند. جایگزین شدن موقوف علیهم طبقه بعدی بر اساس عقد وقف است نه بر مبنای قواعد ارث در نتیجه سهم آنها به ترتیبی است که واقف تعیین کرده، طبق ماده ۸۷ قانون مدنی: «واقف می تواند شرط کند که منافع ما بین موقوف علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا این که اختیار به متولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت بداند تقسیم کند.»

۱۴- گزینه ج صحیح است. طبق ماده ۲۶۰ قانون مدنی: «در صورتی که معامل فضولی عوضی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع به طرف دیگر نخواهد داشت.» با توجه به ظاهر این ماده تنفیذ معامله فضولی به منزله رضایت به قبض ثمن توسط بایع فضولی نیست در نتیجه اگر مالک معامله فضولی را تنفیذ کند ولی رضایت خود را به قبض ثمن توسط بایع فضولی اعلام نکند عقد بیع صحیح و نافذ است و مشتری باید ثمن را به مالک تادیه کند. در این فرض بایع فضولی باید مالی را که به عنوان ثمن ناروا دریافت کرده است به مالک واقعی آن یعنی مشتری برگرداند. چنانچه مالک بیع فضولی و قبض ثمن هر دو را تنفیذ کند بایع فضولی باید ثمنی را که از خریدار گرفته است به مالک تادیه کند.

۱۵- گزینه الف صحیح است. طبق ماده ۵۹۷ قانون مدنی: «تقسیم ملک از وقف مجاز است ولی تقسیم مال موقوفه بین موقوف علیهم جایز نیست.» بنابراین اگر بخش مشاعی از یک ملک وقف گردد و بخش دیگر در مالکیت مالک باقی بماند هم متولی وقف می تواند تقسیم را درخواست کند و هم شریک مالک بخش مشاع. طبق دیدگاه غالب در دکترین حقوقی تقسیم وقف از وقف نیز جایز است به این معنا که اگر بخشی مشاع از مالی ابتدا با یک عقد وقف گردد بعد از مدتی بخش مشاع باقی مانده با عقد دیگری وقف شود ، دو بخش وقفی قابل تقسیم از یکدیگر هستند، منتها همانطور که در قسمت اخیر ماده ۵۹۷ قانون مدنی تصریح شده است تقسیم مال موقوفه بین موقوف علیهم به هیچ وجه مجاز نیست و چنین تقسیمی باطل است.

طبق ماده ۵۹۵ قانون مدنی: «هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک یا حصه یک یا چند نفر از شرکا از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگر چه به تراضی شرکا باشد.» بنابراین در فرضی که تقسیم سبب از بین رفتن مالیت تمام یا بخشی از مال مشاع است شرکا حتی با توافق و تراضی نمی توانند مال مشاع را تقسیم کنند.

براساس ماده ۵۹۲ قانون مدنی اگر تقسیم موجب ورود ضرر به برخی از شرکا گردد بدون این که در اثر تقسیم بخشی از مال مشاع از مالیت بیفتد تقسیم منوط به رضایت و درخواست شریکی است که در اثر وقوع آن ضرر می بیند طبق ماده ۵۹۳ قانون مدنی: «ضرری که مانع تقسیم می شود عبارت است از نقصان فاحش قیمت به مقداری که عادتاً قابل مسامحه نباشد.» با توجه به ماده ۵۹۲ قانون مدنی ورود ضرر مانع مطلق برای تقسیم نیست منتها در این فرض درخواست باید از سوی شریکی که متضرر می شود به عمل آید. در پرسش مورد بحث به طور مطلق سوال شده که در کدام مورد درخواست تقسیم از سوی یکی از شرکا امکان پذیر است بدون این که تفکیکی بین شریک متضرر و غیر متضرر به عمل آید در نتیجه از گزینه های طرح شده گزینه الف درست است.

۱۶- گزینه الف صحیح است. طبق ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی هیچ یک از نامزد ها نمی توانند از جهت صرف امتناع نامزد مقابل از ازدواج مطالبه خسارت کنند. طبق نظر غالب حکم مقرر مربوط به فرضی است که امتناع از ازدواج سوء استفاده از حق قلمداد نگردد در نتیجه اگر اثبات شود یکی از نامزدها از حقی که قانون به او جهت امتناع از ازدواج مقرر کرده سوء استفاده نموده و موجب ورود زیان شده دادگاه باید حکم به جبران خسارت دهد. بر این مبنا بند ۱ ماده ۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ یکی از دعاوی تحت صلاحیت دادگاه خانواده را دعوی مطالبه خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی تعیین کرده است. مقصود از خسارات مندرج در این بند خساراتی است که در اثر سوء استفاده از حق برهم زدن نامزدی، یکی از نامزدها به طرف مقابل وارد کرده است.

۱۷- گزینه ج صحیح است.

۱۸- گزینه ب صحیح است. طبق ماده ۶۰۶ قانون مدنی

۱۹- گزینه د درست است. طبق ماده ۵۷۶ قانون مدنی: «طرز اداره کردن اموال مشترک تابع شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود.» از این ماده دو حکم اساسی در ارتباط با نحوه اداره مال مشاع قابل استنباط است، نخست این که تصمیم گیری راجع به اداره مال مشاع باید با توافق همه شرکا صورت گیرد و اراده اکثریت حاکم نیست در حالی که برای اداره شرکت های تجاری اصولاً تصمیمات با رای اکثریت شرکا اتخاذ می شوند. دوم این که شرکا می توانند با توافق هر ترتیبی را که مناسب می دانند درباره اداره مال مشاع مقرر کنند مثلاً تصویب کنند که تصمیمات با رای اکثریت اتخاذ گردد و نیازی به موافقت همه شرکا نباشد.

با وجود قاعده فوق برای اداره ساختمان مشاع قانون تملک آپارتمان ها ۱۳۴۳ ترتیب خاصی مقرر کرده و تصمیم گیری با رای اکثریت را پذیرفته است. بر اساس ماده ۶ این قانون: «چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت های مشترک به اکثریت آرای مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت های اختصاصی را مالک باشند.» طبق دیدگاه غالب این ماده برای تصمیم گیری توسط شرکای ساختمان اکثریت ترکیبی پیش بینی کرده

است به این معنا که مالکان بیش از نصف مساحت اختصاصی ساختمان باید از نظر تعداد نیز حائز اکثریت عددی یعنی نصف به علاوه یک شرکای ساختمان باشند.

۲۰- گزینه ج درست است. راجع به تفاوت دو مفهوم اتلاف منفعت و عدم النفع یا وحدت آن دو بین نویسندگان حقوق مدنی اختلاف نظر وجود دارد، طبق نظر غالب بین این دو مفهوم تفاوت وجود دارد. قانون مدنی اتلاف منفعت را مانند اتلاف عین صراحتاً در ماده ۳۲۸ موجب ضمان دانسته است. طبق این ماده: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» در حالی که طبق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست...» قائلین به وجود تفاوت بین اتلاف منفعت و عدم النفع، اتلاف منفعت را از مصادیق ضرر مادی می دانند و معتقدند ضرر مادی عبارت است از خسارتی که به مال دیگری اعم از عین، منفعت یا حق مالی وارد شده است و عدم النفع را از خسارت مادی جدا کرده اند. براساس این دیدگاه در اتلاف منفعت، منفعت موجود و محقق تلف می شود مثل اتلاف منفعت مال مغضوب توسط غاصب که موجب مسئولیت او به دادن قیمت منفعت است ولی در عدم النفع شخص مانع دستیابی دیگری به نفع قابل تحصیل می گردد. برخی هم دو مفهوم را مشابه و هم معنا می دانند. به هر حال عدم النفع همیشه موجب ضمان نیست عدم النفع مسلم زیان محسوب می شود و باید جبران گردد جبران عدم النفع احتمالی را نمی توان مورد حکم قرارداد.

آیین دادرسی مدنی

- ۲۱- گزینه د صحیح است. به استناد بند ۱۲ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱
- ۲۲- گزینه ب صحیح است. به استناد ماده ۴۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ (اجرائی از سال ۱۳۹۲)
- ۲۳- گزینه ب صحیح است. به استناد بند ۴ ماده ۶۲ خواهان می تواند در کلیه دعاوی مالی بهای خواسته خود را به هر مبلغی که بخواهد تعیین نماید. مگر آن که خواسته دعوا مطابق بند ۱ ماده مذکور مطالبه وجه نقد باشد.
- ۲۴- گزینه ج صحیح است. به استناد ماده ۲۰۵ ق. آ. د. م- توجه آنکه گزینه د به استناد تبصره ۲ ماده ۳۵ ق. آ. د. م اشتباه می باشد.
- ۲۵- گزینه الف صحیح است. به استناد تبصره ماده ۲۳۴ ق. آ. د. م
- ۲۶- گزینه د صحیح است. به استناد اطلاق ماده ۲۲۰ ق. آ. د. م توجه آن که رسمی یا عادی بودن سند تأثیری در قضیه ندارد.
- ۲۷- گزینه ج صحیح است. به استناد ماده ۱۶۹ ق. آ. د. م
- ۲۸- گزینه ب صحیح است. به استناد ماده ۳۶۳ ق. آ. د. م
- ۲۹- گزینه د صحیح است. به استناد انتهای ماده ۴۰۳ ق. آ. د. م
- ۳۰- گزینه الف صحیح است. به استناد ماده ۳۲۲ ق. آ. د. م
- ۳۱- گزینه ب صحیح است. به استناد ماده ۱۰۵ ق. آ. د. م گزینه الف از آن جهت اشتباه است که مراتب توقیف دادرسی به اداره تصفیه امور ورشکستگی ابلاغ نمی شود، بلکه پس از تعیین شدن مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکستگی، ابلاغها به اداره یا مدیر تصفیه ابلاغ می شوند.
- ۳۲- گزینه الف صحیح است. به استناد ماده ۱۹۰ ق. آ. د. م
- ۳۳- گزینه ج صحیح است. به استناد بند ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ ق. آ. د. م قرار امتناع از رسیدگی صادر می شود. با توجه به آن که قرار مذکور در ماده ۳۳۲ ق. آ. د. م قابل تجدید نظر شناخته نشده، لذا مطابق مواد ۵ و ۳۳۰ همان قانون قطعی است.
- ۳۴- گزینه د صحیح است. به استناد صدر ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م
- ۳۵- گزینه ب صحیح است. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر دادخواست بدوی را ناقص بداند و از جمله آنکه هزینه دادخواست بدوی پرداخت نشده باشد بر اساس ماده ۳۵۰ ق. آ. د. م اخطار رفع نقص از طریق دادگاه تجدیدنظر صادر می شود. اما چنانچه دادگاه تجدیدنظر دادخواست تجدید نظر را ناقص بداند، پرونده را به دادگاه بدوی عودت می دهد تا دادگاه بدوی در راستای تبصره ۲ ماده ۳۳۹ نسبت به صدور اخطار رفع نقص اقدام نماید.
- ۳۶- گزینه د صحیح است. به استناد ماده ۲۶۵ ق. آ. د. م

- ۲۷- گزینه ج صحیح است. سابقه ابلاغ در مرحله بدوی برای مرحله تجدیدنظر سابقه ابلاغ محسوب نمی‌شود. به استناد رأی وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۶۰/۴/۶ ر. ک دکتر رحمان عمروانی، مجموعه قوانین آیین دادرسی مدنی، انتشارات چتردانش، پاورقی آخر ذیل ماده ۳۴۱ ق. آ. د. م
- ۲۸- گزینه الف صحیح است. به استناد ماده ۳۶۷ ق. آ. د. م در خصوص مرحله فرجام و ماده ۴۳۹ ق. آ. د. م در خصوص مرحله اعاده دادرسی دلیل مبنایی این تفاوت صرف نظر از ظاهر قانون آن است که در مرحله اعاده دادگاه فقط به جهتی که در دادخواست اعاده دادرسی ذکر شده رسیدگی می‌نماید ماده ۴۳۶ ق. آ. د. م در حالی که در مرحله فرجام دادگاه به جهات دیگری که توسط فرجام خواه نیز استناد نشده، مطابق ماده ۳۷۷ ق. آ. د. م توجه می‌نماید.
- ۳۹- گزینه الف صحیح است. به استناد اطلاق ماده ۴۷۲ ق. آ. د. م بعد از تعیین داوران، طرفین نمی‌توانند حتی داور اختصاصی خود را نیز عزل کنند، مگر به تراضی.
- ۴۰- گزینه ج صحیح است. به استناد ماده ۶۱ قانون اجرای احکام مدنی.

حقوق تجارت

- ۴۱- گزینه ب صحیح است. طبق ماده ۴۰۲ قانون تجارت «ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.» بنابراین نحوه رجوع مضمون له به ضامن و مضمون عنه در ضمانت تضامنی ابتدا تابع قرارداد خصوصی طرفین یعنی توافق بین ضامن و مضمون عنه است. اگر توافق خصوصی بین آن دو در این باره وجود نداشته باشد طبق ماده ۴۰۳ قانون تجارت مضمون له می‌تواند به تشخیص خود به هر کدام از ضامن و مضمون عنه مجتمعا یا به هر کدام منفردا رجوع کند. گرچه گزینه د با ظاهر ماده ۴۰۳ قانون تجارت مطابقت دارد و در نگاه نخستین ممکن است پاسخ درست پرسش به نظر آید از انتخاب آن به عنوان پاسخ درست باید اجتناب کرد، زیرا اولاً در این گزینه تفاوتی بین ضمانت انتقالی و ضمانت تضامنی در نظر گرفته نشده است و اطلاق عبارات استفاده شده ضمانت تضامنی و انتقالی هر دو را شامل است در حالی که در ضمانت انتقالی با انعقاد عقد ضمان مضمون عنه برائت پیدا می‌کند و ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد در روابط بازرگانی هم چنان که ظاهر ماده ۴۰۳ قانون تجارت دلالت دارد اثر ضمانت مطلق نقل ذمه به ذمه است. ثانیاً با توضیحی بیان شد در ضمانت تضامنی هم از حیث نحوه رجوع مضمون له به ضامن و مضمون عنه توافق بین ضامن و مضمون له حاکم است در صورت فقدان توافق مضمون له حق رجوع به ضامن و مضمون عنه بدون رعایت ترتیب رجوع دارد.
- ۴۲- گزینه های ب و ج هر دو درست هستند. در تنظیم این پرسش مسامحه صورت گرفته است. گزینه های ب و ج هر دو صحیح هستند با وجود این انتخاب گزینه ج مرجح است. ایراد اصلی پرسش این است که به تقسیم بندی معاملات مدیران و مدیر عامل با شرکت سهامی توجه نشده است برخی معاملات مدیران و مدیرعامل با شرکت سهامی طبق ماده ۱۳۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ بطور مطلق ممنوع و باطل هستند حتی مجمع عمومی نمی‌تواند انعقاد این معاملات را اجازه دهد و برخی دیگر طبق ماده ۱۲۹ لایحه قانونی باید با اذن هیات مدیره منعقد شوند به این معنا که قبل از انعقاد قرارداد باید هیات مدیره انشاء آنها را اذن دهد اگر با اذن هیات مدیره منعقد شوند دعوای ابطال آنها در محکمه مسموع نیست حتی اگر به زیان شرکت باشند. به هر حال در این پرسش معاملات گروه دوم مورد نظر بوده است در حالی که الفاظ استفاده شده در صدر پرسش مطلق هستند.
- ۴۳- گزینه ب صحیح است. طبق ماده ۱۳۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکتهای سهامی از انجام معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با شرکت است منع شده اند منتها قانونگذار ضمانت اجرای این ممنوعیت را بطلان معامله قرار نداده است تخلف از ممنوعیت فوق سبب مسئولیت مدنی اعضای هیات مدیره و مدیرعامل متخلف بابت جبران زیان های وارد شده به شرکت است و ضرر در این ماده اعم است از خسارت و تفویض منفعت.
- ۴۴- گزینه ج صحیح است. براساس قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی ۱۳۷۲ و آیین نامه اجرایی آن در شرکتهای سهامی عام بازرسی باید از مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب گردد.
- ۴۵- گزینه ب صحیح است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ لایحه قانونی گزینه ب درست است.
- ۴۶- گزینه الف صحیح است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ لایحه قانونی گزینه ب درست است.

۴۷- گزینه د صحیح است. طبق ماده ۱۴۱ لایحه قانونی گزینه د درست است.

۴۸- گزینه ج صحیح است. قانون تجارت برای تصمیم گیری شرکا در شرکت با مسئولیت محدود اکثریت های مختلفی بیان کرده است. قاعده اصلی راجع به اکثریت لازم برای تصمیم گیری شرکای شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۱۰۶ قانون تجارت مندرج است. طبق این ماده اگر اساسنامه حکم دیگری مقرر نکرده باشد تصمیمات لازم برای اداره شرکت با مسئولیت محدود باید با موافقت دارندگان نصف سهم شرکت در شرکت اتخاذ گردد اگر در شور نخست موافقت صاحبان نصف سهم شرکت حاصل نشد موضوع دوباره به رای گذاشته خواهد شد در رای گیری مرحله دوم موافقت نصف به علاوه یک شرکا بدون توجه به میزان سهم شرکت آنها لازم است. قانون تجارت راجع به اکثریت لازم برای تصویب صورت های مالی شرکت با مسئولیت محدود حکم خاصی بیان نکرده است در نتیجه اکثریت مورد نیاز برای اتخاذ این تصمیم همان است که در ماده ۱۰۶ قانون تجارت بیان شده مگر این که اساسنامه شرکت حکم دیگری مقرر کرده باشد.

۴۹- گزینه الف صحیح است. طبق ماده ۱۲۴ قانون تجارت گزینه الف درست است.

۵۰- گزینه ب صحیح است. طبق مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون تجارت گزینه ب درست است.

۵۱- هیچ کدام از گزینه ها درست نیستند. هیچ کدام از گزینه ها درست نیستند. در این پرسش مرور زمان اقامه دعوا علیه ظهرنویس سفته با مرور زمان طرح دعوا علیه صادر کننده اشتباه شده و فرق این دو مد نظر طرح کننده پرسش قرار نگرفته است. با توضیح زیر اشتباه آشکار می شود، مرور زمان اقامه دعوا علیه مسئولان سند تجاری در مواد مختلف قانون تجارت مورد حکم قرار گرفته و متفاوت است. طبق مواد ۲۸۹، ۲۸۶ و ۲۹۰ قانون تجارت مرور زمان اقامه دعوا علیه ظهر نویس های برات و صادر کننده آن در صورتی که صادر کننده وجه برات را نزد محال علیه تامین کرده باشد حسب مورد یک یا دو سال از تاریخ ثبت اعتراض عدم تادیه است. چنانچه محل پرداخت برات در ایران باشد مرور زمان یک سال است و اگر خارج از ایران باشد دو سال. اگر صادر کننده برات وجه برات را نزد برات گیر تامین نکرده باشد مرور زمان اقدامه دعوا علیه او تابع حکم مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت و ۵ سال است. مطابق ماده ۳۰۹ قانون تجارت مقررات حاکم بر برات در قانون تجارت از ماده ۲۴۱ تا ۳۰۶ نسبت به سفته نیز لازم الاجرا هستند. بنابراین حکم مواد ۲۸۹، ۲۸۶ و ۲۹۰ قانون تجارت در سفته هم باید رعایت شوند. مرور زمان اقامه دعوا علیه ظهرنویس سفته همان است که قانون در خصوص برات بیان کرده است. برای اقامه دعوا علیه صادر کننده برات چنانکه گفته شد در قانون تجارت سه قسم مرور زمان وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

الف- یک سال از تاریخ ثبت اعتراض عدم تادیه، این مرور زمان در فرضی اعمال می شود که صادر کننده وجه برات را نزد برات گیر تامین کرده و محل پرداخت سند ایران است.

ب- دو سال از تاریخ ثبت اعتراض عدم تادیه، این مرور زمان در فرضی اعمال می شود که صادر کننده وجه برات را نزد محال علیه تامین کرده و محل تادیه سند خارج از ایران است.

ج- پنج سال از تاریخ ثبت اعتراض عدم تادیه یا پنج سال از تاریخ انقضای مهلت قانونی ثبت اعتراض عدم تادیه، این مرور زمان در فرضی اعمال می شود که صادر کننده برات وجه را نزد برات گیر تامین نکرده است.

با توجه به این که سفته متضمن تعهد پرداخت است نه دستور پرداخت تامین وجه سند توسط صادر کننده نزد محال علیه در سفته میسر نیست بنابراین مرور زمان اقامه دعوا علیه صادر کننده سفته تابع ماده ۳۱۸ قانون تجارت و پنج سال از تاریخ ثبت اعتراض عدم تادیه یا پنج سال از تاریخ انقضای مهلت قانونی ثبت اعتراض عدم تادیه است به شرط آن که نه صادر کننده سفته تاجر باشد و نه منشاء صدور سند عمل تجاری.

۵۲- گزینه الف صحیح است. در فرض مورد پرسش هیچ کدام از دو شخص «الف» و «ب» نمی توانند به فسخ شدن معامله ای که منجر به صدور چک شده است استناد کنند، دلیل غیر قابل استناد بودن ایراد فسخ معامله توسط شخص «الف» در برابر دارنده سند آن

است که دارنده یعنی شخص «ج» در مقابل صادر کننده چک دارنده غیر مستقیم است و مسئول سند تجاری بر اساس اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده غیر مستقیم و با حسن نیت نمی تواند به ایرادات رابطه پایه بین خود و دارنده قبلی استناد و خود را از مسئولیت پرداخت وجه سند میرا کند. دلیل غیر قابل استناد بودن ایراد مورد بحث توسط ظهر نویس در مقابل دارنده آن است که ایراد مورد نظر ارتباطی به تعهد ظهر نویس در مقابل دارنده چک ندارد ظهر نویس با دارنده چک رابطه دیگری دارد که منتهی به ظهر نویسی و انتقال چک به دارنده شده است و فسخ شدن قراردادی که بین ظهر نویس و صادر کننده منعقد و منجر به صدور چک شده اثری بر قرارداد بین ظهر نویس و دارنده آخر نخواهد گذاشت، امضا و تعهد ظهر نویس در مقابل دارنده چک مستقل است.

۵۳- گزینه ج صحیح است. اصل استقلال امضاء های مسئولان سند تجاری در قانون تجارت هیچ مستند روشنی ندارد، رای وحدت رویه ای نیز تا کنون جهت شناسایی آن تصویب نشده است اعمال این اصل بویژه در رابطه با تعهد مضمون عنه و ضامن سند تجاری با توجه به احکام صریحی که در قانون مدنی وجود دارد غیر ممکن و مصداق اجتهاد در برابر نص است، طبق ماده ۶۹۱ قانون مدنی ضمانت از دینی که سبب آن ایجاد نشده باطل است. اگر تعهد مضمون عنه به هر دلیل باطل باشد نه تنها دینی بر ذمه او نیست بلکه سبب آن هم تشکیل نشده است در نتیجه ضمانت از چنین دینی ضمانت از دین بدون سبب و باطل است و ضامن هم می تواند به بطلان عقد ضمان استناد کند. با این تحلیل هیچ تفاوتی نمی توان بین بطلان تعهد مضمون عنه در اثر عدم اهلیت مضمون عنه یا بطلان تعهد او به دلیل مجعول بودن امضا قایل شد.

۵۴- گزینه ب صحیح است. طبق ماده ۳۱۸ قانون تجارت گزینه ب درست است.

۵۵- گزینه الف صحیح است. پرسش راجع است به محلی که به عنوان اقامتگاه خواننده دعوای مطالبه وجه چک در فرضی که صادر کننده چک خواننده دعوا است باید در متن دادخواست نوشته شود نه دادگاه صالح از حیث محلی برای رسیدگی به دعوا، بدیهی است وقتی دعوایی علیه صادر کننده چک اقامه می شود اقامتگاه صادر کننده به عنوان خواننده دعوا باید در دادخواست قید شود.

۵۶- گزینه الف صحیح است. طبق ماده ۱۲۷ قانون تجارت گزینه الف درست است.

۵۷- گزینه ج صحیح است. طبق ماده ۴۱۹ قانون تجارت گزینه ج درست است.

۵۸- هیچ کدام از گزینه ها درست نیستند. در نگارش این پرسش هم مسامحه ای عمده صورت گرفته است که موجه نیست. قرارداد ارفاقی بر اساس ماده ۴۷۹ قانون تجارت بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد می شود بنابراین عقد قرارداد ارفاقی به معنای خاص بدون صدور حکم ورشکستگی امکان پذیر نیست. بر اساس ماده ۵۰۶ قانون تجارت انعقاد قرارداد ارفاقی با شرکت های تجاری ورشکسته نیز امکان پذیر است. اگر برای یک شرکت تجاری حکم ورشکستگی صادر گردد بدون صدور حکم ورشکستگی برای شریک شرکت طلبکاران نمی توانند با شریک قرارداد ارفاقی منعقد کنند. در شرکت های تضامنی نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی اگر برای شرکت و شریک ضامن هر دو حکم ورشکستگی صادر شده باشد طلبکاران شرکت به ترتیبی که در ماده ۵۰۶ قانون تجارت بیان شده است می توانند با شرکت یا شریک ضامن ورشکسته قرارداد ارفاقی منعقد کنند.

اعاده اعتبار تجاری سبب زوال محرومیت های اجتماعی و شغلی ناشی از حکم ورشکستگی می شود در نتیجه در خواست صدور حکم اعاده اعتبار تجاری از تاجر ورشکسته پذیرفته می شود شخصی که برای او حکم ورشکستگی صادر نشده است حتی اگر شریک شرکت تضامنی باشد نمی تواند دعوای اعاده اعتبار تجاری اقامه کند.

با توجه به مطالب فوق اگر برای شریک شرکت تضامنی حکم ورشکستگی صادر شده باشد او می تواند طبق مقررات حکم مانند سایر تاجران ورشکسته اعاده اعتبار کند در غیر این صورت تقاضای اعاده اعتبار از او پذیرفته نمی شود و نیازی هم به اعاده اعتبار تجاری ندارد. گزینه د به این جهت نادرست است که تاکید دارد شریک شرکت تضامنی به هیچ وجه نیاز به اعاده اعتبار تجاری ندارد در حالی که اگر حکم ورشکستگی او صادر شده باشد برای رهایی از محرومیت های مقرر ناچار است اعاده اعتبار کند. گزینه الف نیز که

ظاهراً مورد نظر طراح پرسش به عنوان پاسخ درست بوده صحیح نیست این گزینه بر اساس معرفت نادرستی نسبت به بند ۱ ماده ۵۶۵ قانون تجارت نگارش یافته است. طبق این بند که یکی از شرایط اعاده اعتبار قانونی را بیان می کند اگر شریک یک شرکت تجاری ورشکسته شخصاً قرارداد ارفاقی منعقد کرده باشد تا وقتی که تعهدات ناشی از قرارداد ارفاقی را بطور کامل ایفاء نکرده است نمی تواند به صورت قانونی اعاده اعتبار کند. فرق است میان تادیه کامل تعهدات ناشی از قرارداد ارفاقی و تادیه تمام دیون شرکت که در گزینه الف ذکر شده است.

۵۹- گزینه د درست است. طبق ماده ۴۲۴ قانون تجارت گزینه د درست است.

۶۰- گزینه ب درست است. طبق ماده ۵۰۶ قانون تجارت گزینه ج درست است.

اصول استنباط حقوق اسلامی

۶۱- گزینه ج صحیح است. گزینه های الف و ب و د از اقسام احکام وضعی بوده و گزینه ج حکم تکلیفی محسوب می شود و می دانیم که عقل و بلوغ از جمله شرایطی هستند که احراز آنها موجب مکلف بودن شخص و بار شدن احکام تکلیفی بر وی می گردد.

۶۲- گزینه الف صحیح است. اگر استحباب را به معنای برتری انجام یک فعل بر ترک آن بدانیم می توان ماده مذکور را دال بر استحباب دانست؛ ولی اگر آنگونه که در مستحبات شرعی برای فاعل آن پاداش و اجری وجود دارد به دنبال مستحبی در مواد قانونی باشیم شاید نتوان مصداق مناسبی یافت.

۶۳- گزینه الف صحیح است. گزینه الف مصداق حکم تکلیفی وجوب؛ گزینه ب مصداق حکم وضعی بطلان؛ گزینه ج و د مصداق حکم وضعی شرطیت می باشند.

۶۴- گزینه الف صحیح است. در گزینه الف وصف ذکر شده یعنی عبارت «که به قصد تبرع ضمانت کرده باشد» وصف تقییدی بوده و مفهوم گیری از آن دارای حجیت است؛ گزینه ب جمله شرطیه سالبه به انتفاء موضوع است که مفهوم گیری از آن فاقد حجیت است؛ گزینه ج واجد لقب بوده که مفهوم گیری از آن حجیت ندارد؛ گزینه د نیز وصف غیر تقییدی است که نمی توان از آن مفهوم گیری نمود.

۶۵- گزینه ب صحیح است. گزینه الف نادرست است به دلیل آنکه این حکم نسبت به سه خواهر و بیشتر نیز جاری است؛ گزینه ج نیز انحصار به فرض وصی واحد نداشته و امکان تعیین ناظران متعدد فراهم است؛ گزینه د نیز اختصاص به دو وکیل نداشته و نسبت به سه وکیل نیز جاری خواهد بود.

۶۶- گزینه ج صحیح است. گزینه الف و ب مصداق عام مجموعی و گزینه د مصداق عام افرادی است.

۶۷- گزینه ب صحیح است. با توجه به آنکه در ماده مذکور از لفظ «مگر» استفاده شده است و این واژه از جمله ادات استثناء محسوب می شود؛ لذا می توان استنباط نمود که مفهوم مخالف این ماده نیز مفهوم حصر (استثناء) می باشد.

۶۸- گزینه ب صحیح است. علم اجمالی عبارت است از علمی که نسبت به همه جهات و زوایای یک مسئله نیست بلکه ناظر به برخی جهات مسئله به نحو کلی می باشد. در ماده مذکور با توجه به اینکه مقررله دقیقاً روشن نیست و نیز با لحاظ اینکه افراد مورد تردید دو فرد معین می باشند. می توان فهمید که آنچه واقع شده است علم اجمالی می باشد. همچنین عبارت «فی الجملة معلوم می باشد» نیز می تواند دلیل دیگری بر اجمالی بودن این علم تلقی شود.

۶۹- گزینه د صحیح است. با توجه به اینکه در مسئله قاعده یقین، شک لاحق به گذشته سرایت نموده و یقین سابق را از بین برده است، لذا عدم بقای یقین گذشته دلیل بی اعتباری این قاعده می باشد.

۷۰- گزینه ج صحیح است. با توجه به اینکه در ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است که قاضی در انتخاب هر یک از مجازات های مذکور در ماده ۲۸۲ برای محارب مبسوط الید می باشد. لذا می توان استنباط نمود که این ماده از جمله واجبات تخییری است.

۷۱- گزینه د صحیح است. اگر چه در گزینه های الف، ب و ج به نحوی تخییر وجود دارد اما تنها موردی که در علم اصول تخییر خود را از اصل تخییر گرفته است دوران امر بین محذورین می باشد.

۷۲- گزینه الف صحیح است. با توجه به اینکه اصل مثبت فاقد حجیت است لذا استصحاب نمی تواند آثار غیر شرعی و عقلی حکم خود را به اثبات رساند. بنابراین تنها آثار شرعی بی واسطه مستصحاب است که می توان از استصحاب استنباط نمود.

۷۳- گزینه الف صحیح است. با توجه به اینکه تردید در وقوع یک جرم از جانب متهم می باشد. لذا تردید در تکلیف بوده و اصل برائت جاری می شود.

۷۴- گزینه ب صحیح است. با توجه به آنکه مسئله از دو حال خارج نیست یا نکاح دائم بوده و با بذل مدت فسخ نگردیده لذا همچنان پابرجاست و یا آنکه نکاح موقت بوده و با بذل مدت مرتفع شده، لذا هم اکنون زوجه در عده می باشد. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم کلی عدم جواز نکاح زوجه و وجوب نفقه با استصحاب نکاح دائم و نیز در فرض انحلال نکاح موقت قابل اثبات است.

۷۵- گزینه د صحیح است. اگر چه در متن سوال از حکم مواد قانونی سوال شده است اما به نظر می رسد که مقصود طراح محترم تشخیص لوازم مندرج در مواد مذکور است. اقتضای ذات عقد همان لوازم ذات عقد و اقتضای اطلاق عقد همان لوازم اطلاق عقد می باشد. لذا با توجه به اینکه تملیک مال در عقد قرض از ذات آن بر می آید به ترتیبی که انفکاک این لازمه از ذات عقلاً ممکن نیست. در مقابل تسلیم مبیع در محل عقد که نه از ذات بلکه از اطلاق عقد فهمیده می شود. لذا عقلاً قابل انفکاک از بیع می باشد. به ترتیبی که می توان بر خلاف آن شرط ضمن عقد نمود ولی به واسطه اطلاق عقد بنا بر این گذاشته می شود که مبیع در محل عقد تسلیم گردد.

۷۶- گزینه ج صحیح است. این واجب مصداق واجب موقت و از قسم واجبات مضیق است. با توجه به اینکه واجب مضیق واجبی است که در تمام زمان تعیین شده برای انجام آن، مکلف مشغول انجام تکلیف است لذا باید این فرض را مصداق واجب مضیق تلقی کنیم.

۷۷- گزینه الف صحیح است. حکم عقل، حکم برآمده از اجماع، و نیز حکم مستفاد از بنای عقلا از جمله مخصص های منفصل لیبی (عقلی) محسوب می گردند.

۷۸- گزینه ب صحیح است. گزینه الف، ج و د احکامی هستند که برای شرایط خاص و استثنائی وضع گردیده اند در حالی که گزینه ب حکمی است که برای حالت عادی بدون بروز شرایط خاص استثنائی لازم الاجرا می باشد.

۷۹- گزینه ب صحیح است. اخباریان و اصولیان در مسئله شبهات تحریمی موضوعی متفق القول قائل به اجرای اصل برائت هستند اما در مسئله شبهات حکمی تحریمی اخباریان قائل به احتیاط و اصولیان معتقد به برائت اند.

۸۰- گزینه الف صحیح است. شبهات محصوره اعم از آنکه وجوبی باشند یا تحریمی مجرای اصل احتیاط می باشند یعنی مکلف باید به گونه ای رفتار کند که یقین نماید. هر آنچه موجب اشتغال ذمه وی گردیده است مرتفع شده و برائت ذمه یقینی حاصل شده است. اما در فرض شبهات غیر محصوره امکان اجرای اصل احتیاط وجود نداشته و حکم به عدم لزوم موافقت قطعی می گردد. اما اینکه بتوانیم در شبهات غیر محصوره به طور مطلق حکم به برائت نماییم در برخی فروض ممکن است به مخالفت قطعی با علم اجمالی منجر شود لذا گزینه مزبور که اشاره به برائت در شبهات غیر محصوره دارد چندان دقیق طرح نشده است.

حقوق جزای عمومی و اختصاصی

۸۱- گزینه ج صحیح است. تبصره ۲ ماده ۸۹ ق. م. ا.

۸۲- گزینه ب صحیح است. ماده ۳۹ ق. م. ا.

۸۳- گزینه د صحیح است. ماده ۱۴۹ ق. م. ا.

۸۴- گزینه د صحیح است. ماده ۴۷ ق. م. ا.

۸۵- گزینه الف صحیح است. ماده ۶۷ ق. م. ا.

۸۶- گزینه ج صحیح است. ماده ۲۴ ق. م. ا.

۸۷- گزینه د صحیح است. ماده ۲۵ ق. م. ا.

۸۸- گزینه ب صحیح است. ماده ۵۴۷ ق. تعزیرات و تبصره ۲ ماده ۱۳۴ ق. م. ا.

۸۹- گزینه الف صحیح است. تبصره ۲ ماده ۸۸ ق. م. ا.

۹۰- گزینه الف صحیح است. ماده ۱۳ ق. م. ا.

۹۱- گزینه د صحیح است. تبصره ۱ ماده ۲۶ ق. م. ا.

۹۲- گزینه ج صحیح است. ماده ۵۲۶ ق. م. ا.

۹۳- گزینه الف صحیح است. ماده ۱۱۴ ق. م. ا.

۹۴- گزینه ج صحیح است. ماده ۷۲۳ ق. تعزیرات

۹۵- گزینه ب صحیح است. ماده ۳۶۴ ق. م. ا.

۹۶- گزینه ج صحیح است. ماده ۳۰۵ ق. م. ا.

- ۹۷- گزینه ب صحیح است. ماده ۳۸۲- ۳۶۰ ق.م.ا
- ۹۸- گزینه ب صحیح است. ماده ۵۳۰ ق.م.ا
- ۹۹- گزینه الف صحیح است. ماده ۵۱۷ ق. تعزیرات
- ۱۰۰- گزینه ج صحیح است. ماده ۶۷۴ ق. تعزیرات

آیین دادرسی کیفری

- ۱۰۱- گزینه ب صحیح است. ماده ۶۶ و تبصره ۱ آن
- ۱۰۲- گزینه الف صحیح است. تبصره ۴ ماده ۵۰ قانون قاچاق کالا و ارز
- ۱۰۳- گزینه د صحیح است. ماده ۱۴ و تبصره ۲
- ۱۰۴- گزینه د صحیح است. با صدور قرار اناطه پرونده به طور کامل از شعبه بازپرسی خارج نمی شود و از قرارهای نهایی محسوب نمی شود.
- ۱۰۵- گزینه ج صحیح است. تبصره ۱ ماده ۲۴۷
- ۱۰۶- گزینه الف صحیح است. ماده ۲۸۶
- ۱۰۷- گزینه د صحیح است. ماده ۲۹۰
- ۱۰۸- گزینه ب صحیح است. تبصره ماده ۴۸
- ۱۰۹- گزینه ج صحیح است. ماده ۶۱۸
- ۱۱۰- گزینه الف صحیح است. مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ و تبصره ۱ ماده ۲۸۵
- ۱۱۱- گزینه الف صحیح است. ماده ۶۵
- ۱۱۲- گزینه ب صحیح است. تبصره ماده ۲۹۷
- ۱۱۳- گزینه د صحیح است. ماده ۵۶۵
- ۱۱۴- گزینه ج صحیح است. ماده ۶۶۵
- ۱۱۵- گزینه د صحیح است. ماده ۶۹۰
- ۱۱۶- گزینه الف صحیح است. رای وحدت رویه ۷۴۲
- ۱۱۷- گزینه ج صحیح است. ماده ۲۵۵
- ۱۱۸- گزینه ب صحیح است. ماده ۳۱۰
- ۱۱۹- گزینه ب صحیح است. ماده ۳۰۵
- ۱۲۰- گزینه ج صحیح است. رای وحدت رویه ۷۲۷

